



شورای عالی حوزه های علمیه قم

مرکز مدیریت حوزه های علمیه خاوهران

عنوان تحقیق : معناشناسی واژه صمد در سوره توحید

نام استاد :

نام طلبه : زهرا شهریاری

نیم سال (ترم) دوم

سال تحصیلی ۱۳۹۹

چکیده

معناشناسی روشی است که با مطالعه علمی متن به دنبال کشف معنا و مقصود گوینده (مؤلف) است. یکی از کلمات متداول قرآن کریم که شاید عموم مردم از معنای آن بی اطلاع باشند کلمه «صمد» است. لغت‌شناسان در معنای «صمد» در سوره توحید می‌گویند «الذی لا جوف له» به معنای چیزی است که تو خالی نیست، بلکه پر است که حاکی از بی‌نیازی باری تعالی از به‌وجودآورنده است. و نیز در مورد «صمد» باید گفت: که در لغت به معنای آقا و بزرگی است که برای انجام کارها به سوی او می‌روند. به همین جهت است که علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر «صمد» می‌نویسد: خدای تعالی سید و بزرگی است که تمامی موجودات عالم در تمامی حوائج‌شان او را قصد می‌کنند.

در نوشتار حاضر با روش معناشناسی و تحلیل روایات و تفاسیر، مفهوم قرآنی صمد، آن به تصویر کشیده شده است.

کلید واژه‌ها: صمد، توحید، معناشناسی

یکی از نامهای زیبای خداوند، «صمد» است. این نام مبارک، ستاره ای یگانه است که در آسمان قرآن می درخشد و بیش از یک بار در قرآن کریم نیامده است. سوره توحید مرتبه خاصی از توحید را بیان می دارد «الصمد» بر معرفی بی نظیری از خداوند در این سوره ناظر هستکلمه صمد در «اللَّهُ الصَّمَدُ» مطلق است و شامل تمام احتیاجات مادی و معنوی مخلوقات می شود.

نوشتار حاضر با محوریت سوره توحید و مشخصات و نام های دیگر این سوره به دنبال ارائه مفهوم قرآنی «صمد» است.

مشخصات سوره توحید

در مورد مکی و مدنی بودن این سوره دو دیدگاه وجود دارد: از دیدگاه بیشتر قرآن پژوهان این سوره در مکه پس از سوره ی ناس و در آغازین سال های بعثت فرود آمده است. اما پاره ای نیز آن را از سوره های مدنی شمرده اند.

به باور مشهور این سوره دارای ۴ آیه است، اما پاره ای برآنند که ۵ آیه دارد و دلیل این دوگانگی آن است که لم یلد را یک آیه شمرده اند.^۱

این سوره شامل ۱۵ کلمه و ۴۰ حرف است.^۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ (۱) اللَّهُ الصَّمَدُ (۲) لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ (۳) وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ (۴) ^۳

معنی سوره توحید

۱. بگو خداوند یکتاست

^۱ - طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ج ۱۵، ص ۱۵۰۰

^۲ - بروجردی، ابراهیم، تفسیر جامع، ج ۷، ص ۶۰۳

^۳ - توحید، آیه ی ۴-۱

۲. خدا بی نیاز است

۳. نه زاییده و نه زاییده شده (فرزند ندارد و فرزند کسی نیست)

۴. هیچ کس همتای او نیست

نام سوره توحید(اخلاص)

این سوره نام های متعددی دارد و هر کدام به تناسبی بر آن نهاده شده است.

الف-نام نخست آن «اخلاص» به معنی «خالص ساختن» است چرا که عقیده ی قلبی و عمل به این سوره انسان را یکتاپرست و پراخلاص ساخته ، و به او یاری می رساند تا باور خویش را از هر گونه شرک و کفر پاک و پاکیزه و خالص سازد.

ب-نام دیگر این سوره «توحید» است ، چرا که از آغاز تا انجام به یکتایی خدا و بی همتایی او رهنمون است ، و هر کس به این سوره دل بندد و به آن ایمان آورد توحیدگرایی پراخلاص خواهد شد.

ج-نام دیگرش «قل هو الله» است ، چرا که خدا در آغازین آیه اش به پیامبر دستور می دهد که با صدایی رسا اعلام کن که: حقیقت این است که خدا ، یگانه و بی همتاست.

د-این سوره را «اساس» هم خوانده اند ، چرا که بنیاد و پایه ی دین و آیین و سرلوحه ی دعوت پیامبر و همه ی کتاب ها و دعوت های آسمانی است.

ه-نام دیگر این سوره «صمد» به معنی بی همتاست ، چرا که ذات پاک او شریک و همتا ندارد.

و-و نیز این سوره را نسب نامه ی خدا خوانده اند ، چرا که در روایت آمده است که برای هر چیزی نسبی است و نسب نامه ی خدا سوره ی اخلاص است.^۱

^۱ - طبرسی ، فضل بن حسن ، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، ج ۱۵ ، صص ۱۴۹۹-۱۵۰۰

و باز آورده اند که پیامبر این سوره و سوره «کافرون» را شفاعت و پاک سازنده و دور دارنده ی انسان از بلای شرک و نفاق نامید.^۱

شان نزول

درباره شان نزول سوره اخلاص از امام صادق(ع) نقل شده است گروهی از یهودیان از پیامبر(ص) تقاضا کردند خداوند را برای آنان توصیف کند. پیامبر(ص) سه روز سکوت کرد و پاسخی نگفت، تا اینکه سوره اخلاص نازل شد و سپس پاسخ آنان را بیان کرد.^۲ گفته شده این پرسش، درخواست جمعی از مشرکان مکه^۳ یا درخواست اهل کتاب مدینه^۴ یا افرادی دیگر بوده است.^۵

منزلت امام علی و سوره اخلاص

در روایتی از پیامبر(ص)، امام علی(ع) به سوره اخلاص تشبیه شده است. در این روایت آمده است مثل علی ابن ابی طالب در بین مردم، مثل «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» در قرآن است. همچنان که هر کس سه مرتبه سوره اخلاص را بخواند، گویا تمام قرآن را خوانده است، هر کس با زبان، قلب و دستهایش (در عمل)، امام علی(ع) را دوست داشته باشد، همه اسلام را دوست داشته است. پیامبر(ص) در آخر می فرماید سوگند به کسی که مرا به رسالت برانگیخته، اگر اهل زمین، همانند اهل آسمان، علی را دوست داشته باشند، خداوند کسی از آنان را به آتش عذاب نمی کند.^۶

قندوزی عالم اهل سنت روایت بالا را در کتابش ینابیع الموده نقل کرده است^۷ همچنین در دیگر منابع اهل سنت روایاتی با همین مضمون وجود دارد که منزلت امیرالمؤمنین علی(ع) را همچون منزلت سوره اخلاص معرفی می کنند.^۸

خواندن سوره توحید

به قرائت سوره اخلاص در نمازهای واجب بسیار سفارش شده است. گفته شده است مکروه است در دو رکعت نماز، یک سوره واحد خوانده شود مگر سوره توحید.^۹

^۱ - طبرسی ، فضل بن حسن ، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، ج ۱۵ ، ص ۱۵۰۰

^۲ - مکارم شیرازی، ناصر ، تفسیر نمونه، ج ۲۷، ص ۴۲۸.

^۳ - رازی، حسین بن علی، روض الجنان، ج ۲۰، ص ۴۶۵.

^۴ - سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الإیتقان فی علوم القرآن، ۱۳۷۶ش، ج ۱، ص ۱۴۰

^۵ - سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن ، الدر المنثور، ج ۶، ص ۴۱۱-۴۱۰.

^۶ - علامه حلی، حسن بن یوسف ، کشف الیقین، ۱۴۱۱ق، ص ۲۹۸.

^۷ - قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، نابیع الموده، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۳۷۶

^۸ - ابن مغارلی، علی بن محمد ، مناقب امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب، ۱۴۲۴ق، ص ۱۰۸

^۹ - حکیم، سید محسن ، مستمسک العروه، دار التفسیر، ج ۶، ص ۲۸۵.

یصمده، صمدا» از باب «نصر، ینصر» معنایش این است که فلانی قصد فلان کس یا فلان چیز را کرد، در حالی که بر او اعتماد کرده بود. بعضی از مفسران این کلمه را- که صفت است- به معانی متعددی تفسیر کرده‌اند که برگشت بیشتر آنها به این معنا است: «سید و بزرگی که از هر سو به جانبش قصد می‌کنند تا حوایجشان را برآورد». و چون در آیه مورد بحث مطلق آمده همین معنا را می‌دهد، پس خدای تعالی سید و بزرگی است که تمامی موجودات عالم در تمامی حوایجشان او را قصد می‌کنند.^۱

وقتی خدای تعالی پدید آورنده همه عالم است، و هر چیزی که دارای هستی است، هستی را خدا به او داده، پس هر چیزی که نام «چیز» بر آن صادق باشد، در ذات و صفات و آثارش محتاج به خدا است، و در رفع حاجتش او را قصد می‌کند، همچنان که خودش فرموده: «أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ». و نیز به طور مطلق فرموده: «وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُتَتَّهِ». پس خدای تعالی در هر حاجتی که در عالم وجود تصور شود صمد است؛ یعنی هیچ چیز قصد هیچ چیز دیگر نمی‌کند، مگر آن که منتهای مقصدش او است و بر آمدن حاجتش به وسیله او است.^۲

از این جا روشن می‌شود که اگر الف و لام بر سر کلمه «صمد» در آمده، منظور افاده حصر است، می‌فهماند تنها خدای تعالی صمد علی‌الاطلاق است، بر خلاف کلمه «احد» که الف و لام بر سرش در نیامده، برای این که این کلمه با معنای مخصوصی که افاده می‌کند، در جمله اثباتی بر احدی غیر خدای تعالی اطلاق نمی‌شود، پس نیاز نبود که با آوردن الف و لام حصر احدیت را در جناب حق تعالی افاده کند و یا احدیت معهودی از بین احدیت‌ها را برساند.^۳

در تفسیر «صمد» در حدیثی می‌خوانیم که: «محمّد بن حنیفه» از امیر مؤمنان علی (علیه السلام) در باره «صمد» سؤال کرد حضرت (علیه السلام) فرمود:

تأویل صمد آن است که او نه اسم است و نه جسم، نه مانند و نه شبیه دارد، و نه صورت و نه تمثال نه حدّ و حدود، نه محل و نه مکان، نه «کیف» و نه «این» نه اینجا و نه آنجا، نه پر است و نه خالی، نه ایستاده است و نه نشسته، نه سکون دارد و

^۱- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه ی تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۶۷۱

^۲- همان

^۳- طباطبایی، محمد حسین، ترجمه ی تفسیر المیزان، ج ۲۰، صص ۶۷۲-۶۷۱

نه حرکت، نه ظلمانی است نه نورانی نه روحانی است و نه نفسانی، و در عین حال هیچ محلی از او خالی نیست، و هیچ مکانی گنجایش او را ندارد، نه رنگ دارد و نه بر قلب انسانی خطور کرده، و نه بو برای او موجود است، همه اینها از ذات پاکش منتفی است.^۱

این حدیث به خوبی نشان می دهد: که تاویل «صمد» مفاهیم بسیار جامع و وسیعی دارد، که هرگونه صفات مخلوقات را از ساحت مقدس خداوند نفی می کند و خداوند از چنین صفاتی منزّه است، زیرا اسم های محدود، تعدد، شباهت، جسمیت، مکان، سکون، حرکت، کیفیت، حد و حدود، رنگ و بو و غیره اینها از صفات جهان ماده و از صفات و خصوصیات ممکنات و مخلوقات خداوند است و خداوند این گونه صفات را دارا نیست چون بالاتر و برتر از همه اینها است.^۲

در اکتشافات اخیر آمده است: تمام اشیاء جهان ماده، از ذرات بسیار کوچکی به نام «اتم» تشکیل یافته و «اتم» خود نیز مرکب از دو قسمت عمده است: هسته ی مرکزی، و الکترون هائی که به دور آن در گردش است، و این که، در میان آن هسته و الکترون ها، فاصله ی زیادی وجود دارد (البته زیاد در مقایسه ی با حجم اتم) به طوری که اگر این فاصله برداشته شود، اجسام به قدری کوچک می شوند که حیرات آور است. مثلاً اگر فاصله های اتمی ذرات وجود یک انسان را بردارند و او را کاملاً فشرده کنند، ممکن است به صورت ذره ای درآید که دیدنش با چشم مشکل باشد، ولی با این حال، تمام وزن بدن یک انسان را دارا است (مثلاً همین ذره ی ناچیز، ۶۰ کیلو وزن دارد). بعضی با استفاده از این اکتشافات علمی و با توجه به این که یکی از معانی «صمد» وجودی است که تو خالی و اجوف نیست، چنین نتیجه گرفته اند که: قرآن می خواهد با این تعبیر، هرگونه جسمانی را از خدا نفی کند؛ چرا که تمام اجسام از اتم تشکیل یافته اند، اتم تو خالی است، و به این ترتیب آیه می تواند یکی از معجزات علمی قرآن باشد.

^۱ - مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲۷، صص ۴۷۳-۴۷۴

^۲ - همان، ص ۴۷۴

ولی نباید فراموش کرد : که «صمد» در اصل لغت ، به معنی شخص بزرگی است که همه ی نیازمندان به سوی او می روند و از هر نظر پر و کامل است ، و ظاهراً بقیه ی معانی و تفسیرهای دیگری که برای آن ذکر شده ، به همین ریشه باز می گردد.^۱

نتیجه گیری

«صمد» آن ذاتی است که از همه موجودات برتر بوده و غنی بالذات است و بی نیاز از غیر ، که هیچ کمبود و نقصی ندارد که محتاج غیر باشد ؛ لذا از تمام اوصاف مخلوقین که به نوعی به نقص و نیاز برمی گردند ، مبرا بوده و برتر از آن مخلوقات، هستی خود و حوائج خود را از او دریافت می کند و همیشه و در همه جا محتاج لطف و نظر و فیض او هستند. لازم به ذکر است؛ با توجه به معناهایی که در روایات برای «صمد» بیان شد ، در واقع همه آنها به یک حقیقت بازگشت می کند، و آن بزرگ و آقایی است که بی نیاز از هر چیز می باشد، و همه نیازمند به او هستند بعضی از مفسرین گفته اند: کلمه صمد به معنای هر چیز توپری است که جوفش خالی نباشد، و در نتیجه نه بخورد و نه بنوشد و نه بخوابد و نه بچه بیاورد و نه از کسی متولد شود. که بنابراین تفسیر، جمله لم یلد و لم یولد تفسیر کلمه صمد خواهد بود.

^۱ - مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ج ۲۷ ، صص ۴۷۴-۴۷۵

- ۱- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ، دارالکتب الاسلامیه ، چاپ سی و ششم ، ۱۳۸۶.
- ۲- طباطبائی ، محمد حسین ، ترجمه ی تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی همدانی ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، چاپ بیست و هشتم ، تابستان ۱۳۸۸.
- ۳- قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ، مرکز فرهنگی درسهای از قرآن ، چاپ دوم ، پاییز ۱۳۸۵ .
- ۴- طبرسی ، فضل بن حسن ، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول ، پاییز ۱۳۸۸.
- ۵- هاشمی رفسنجانی ، اکبر ، تفسیر راهنما ، موسسه بوستان کتاب ، چاپ سوم ، ۱۳۸۶.
- ۶- المجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت : مؤسسه الوفاء، بی جا ، ۱۴۰۹ق.
- ۷- الراغب الأصفهانی ، أبو القاسم الحسین بن محمد بن الفضل ، المفردات الفاظ القرآن ، الناشر: الدار الشامیة ، چاپ اول ، ۱۳۶۲.
- ۸- معطوف ، لويس ، فرهنگ المنجد عربی به فارسی ، مترجم : محمد بندر ریگی ، تهران : انتشارات اسلامی ، چاپ اول ، ۱۳۸۷.
- ۹- بروجردی ، ابراهیم ، تفسیر جامع ، کتابخانه صدر ، چاپ اول ناشر (چاپ هفتم کتاب) ، ۱۳۸۰.
- ۱۰- رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۱- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الاتقان فی علوم القرآن، تصحیح: محمد ابوالفضل ابراهیم، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۷۶ش .
- ۱۲- سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۴ق.

- ۱۳- علامه حلی، حسن بن یوسف، کشف الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین، به تحقیق حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۱ق.
- ۱۴- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع المودة لذوی القربی، به تحقیق علی حسینی، قم، دار الاسوه، ۱۴۱۶ق.
- ۱۵- ابن مغالزی، علی بن محمد، فضائل الامام علی بن ابی طالب، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۲۴ق.
- ۱۶- حکیم، سیدمحسن، مستمسک العروة الوثقی، قم، دار التفسیر .
- ۱۷- حویزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، به تصحیح هاشم رسولی، قم، نشر اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۵ق.
- ۱۸- کاشف الغطاء، جعفر، کشف الغطاء عن مبهمات الشریعة الغراء، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۲۲ق.
- ۱۹- طوسی، محمد بن حسن، الخلاف فی الاحکام، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۰۷ ق.
- ۲۰- نجفی، محمدحسن، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، قم، ۱۴۱۷ق.